



سرمقاله

چرا آمریکایی‌ها هزینه بحران را از جیب می‌پردازند؟ جنگی که بنزین را گران کرد



♦ | آنچه امروز در بازار سوخت آمریکا دیده می‌شود، صرفاً نوسان معمول قیمت‌ها نیست؛ بلکه نشانه‌ای روشن از انتقال مستقیم هزینه‌های ژئوپلیتیک به زندگی روزمره خانوارهاست. وقتی یک تنش منطقه‌ای یا جنگ خارجی آغاز می‌شود، اثر آن فقط در اتاق‌های تصمیم‌گیری و روی نمودارهای نفت خام باقی نمی‌ماند؛ خیلی زود به پمپ‌بنزین‌های حاشیه شهر، به صورت حساب ماهانه خانوارها و به هزینه حمل‌ونقل کالا سرایت می‌کند. به همین دلیل، ادعای افزایش هزینه سوخت برای آمریکایی‌ها چه در قالب ده‌هامیلیارد دلار و چه در قالب صدها دلار برای هر خانوار اگرچه ممکن است بسته به منبع و تاریخ سنجش متفاوت باشد، اما از نظر اقتصادی یک حقیقت بنیادین را بازتاب می‌دهد: جنگ، فقط در میدان رخ نمی‌دهد؛ در ترازنامه مصرف‌کننده هم ادامه پیدا می‌کند.

داده‌های در دسترس از «Iran War Energy Cost Tracker» وابسته به دانشگاه Brown نشان می‌دهد که اثر جنگ و تنش‌های مرتبط، به‌طور مستقیم هزینه اضافی بر دوش مصرف‌کنندگان

آمریکایی گذاشته است. در اسنپ‌شات فعلی این پیشگر، مجموع بار مصرف‌کننده از ابتدای جنگ حدود ۲۷.۷ میلیارد دلار برآورد شده و این رقم عمدتاً از محل افزایش هزینه بنزین و گازوئیل شکل گرفته است. همین عدد، حتی بدون بزرگ‌نمایی، برای نشان دادن عمق حساسیت بازار کافی است: کوچک‌ترین اخلال در عرضه، یا حتی فقط افزایش پرمیموم ریسک در بازار آتی، می‌تواند به سرعت به افزایش هزینه سوخت در سطح خُرد منجر شود. نکته مهم این است که بازار انرژی به خبرهای سیاسی، فقط به‌عنوان خبر نگاه نمی‌کند؛ بلکه آن‌ها را به‌عنوان سیگنال قیمت می‌خواند. وقتی تنش در غرب آسیا بالا می‌گیرد، شرکت‌های حمل‌ونقل، پالایشگاه‌ها، بیمه‌گران و معامله‌گران، همه هم‌زمان سطح ریسک را بازتنظیم می‌کنند. نتیجه این بازتنظیم، فقط بالا رفتن قیمت نفت خام نیست؛ بلکه افزایش هزینه فرآورده‌هایی مانند بنزین، دیزل و سوخت جت است. در اقتصادی مثل آمریکا که بخش بزرگی از زنجیره لجستیک، حمل‌ونقل و مصرف خانگی به سوخت وابسته است، این افزایش به سرعت از سطح عمده‌فروشی

به سطح خرده‌فروشی منتقل می‌شود. از این زاویه، هزینه‌ای که خانوار آمریکایی پرداخت می‌کند، صرفاً گرانی سوخت نیست؛ بلکه نوعی مالیات نامرئی بر بی‌ثباتی جهانی است. هر بار که بازار جهانی نفت از وضعیت عادی خارج می‌شود، این مالیات پنهان به مصرف‌کننده تحمیل می‌گردد. اگر رقم ۴۵۰ دلار به ازای هر خانوار در یک گزارش رسانه‌ای مطرح شده باشد، معنایش این است که حتی جنگ‌هایی که هزاران کیلومتر دورتر رخ می‌دهند، در تراز دخل و خرج خانواده آمریکایی اثر ملموس دارند. در واقع، انرژی هنوز هم مهم‌ترین کانال انتقال شوک ژئوپلیتیک به اقتصاد داخلی است. این وضعیت یک پیام روشن سیاستی دارد: تکیه بر مهار کوتاه‌مدت قیمت با ابزارهای اضطراری، جایگزین امنیت پایدار عرضه نمی‌شود. آزادسازی ذخایر استراتژیک می‌تواند برای چند هفته بازار آرام کند، اما اگر منشأ بی‌ثباتی باقی بماند، اثر آن موقتی خواهد بود. آنچه بازار می‌خواهد، اطمینان از جریان پایدار عرضه است؛ و هر زمان که این اطمینان تضعیف شود، خانوارها، شرکت‌ها و حتی دولت، هزینه آن را پرداخت می‌کنند.

از منظر کلان، این موضوع بار دیگر نشان می‌دهد که انرژی فقط یک کالای اقتصادی نیست، بلکه بخشی از معماری امنیت ملی است. دولت‌ها هرچقدر هم از استقلال انرژی سخن بگویند، تا زمانی که بازار جهانی نفت و فرآورده‌ها به ریسک‌های ژئوپلیتیک حساس باقی بماند، مصرف‌کننده نهایی در برابر این شوک‌ها آسیب‌پذیر خواهد ماند. به همین دلیل، گرانی سوخت در آمریکا را نباید فقط یک مسئله توری دانست؛ این گرانی نشانه‌ای از شکنندگی نظم انرژی جهانی است. جمع‌بندی روشن است: اگرچه درباره عدد دقیق بار مالی جنگ بردوش آمریکایی‌ها ممکن است اختلاف منیع وجود داشته باشد، اما اصل واقعیت قابل انکار نیست. جنگ و تنش، هزینه دارد؛ و این هزینه، خیلی زود از سطح بازار نفت به سطح زندگی روزمره مردم منتقل می‌شود. در چنین شرایطی، هر دلار افزایش در قیمت سوخت، فقط یک عدد در تابلو پمپ‌بنزین نیست؛ بخشی از قیمت جهانی بی‌ثباتی است که مصرف‌کننده آمریکایی آن را به صورت مستقیم می‌پردازد. ♦

سیاست کلان

دیپلماسی در مدار تردید؛ شرط بندی بر سرتضمین‌های سوخته

سید محمود نبویان با اشاره به شنیده‌ها مبنی بر تکیه بر قطعنامه شورای امنیت به عنوان تضمین توافق، این پرسش بنیادین را مطرح می‌کند که آیا چنین مکانیزمی در تجربه برجام توانست مانع خروج آمریکا شود؟ این یعنی دیپلماسی در حال حاضر نه یک مسیر حل اختلاف، بلکه به یک ابزار برای مدیریت تنش‌های سیاسی تبدیل شده است.

در حالی که دونالد ترامپ از نزدیکی به توافق و احتمال برداشته شدن محاصره سخن می‌گوید، واقعیت جاری در مذاکرات نشان‌دهنده بن‌بستی عمیق است. واشنگتن برای پایان کار، سه شرط صریح (بازماندن تنگه هرمز، تحویل اورانیوم و تضمین عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای) را روی میز گذاشته که با مخالفت صریح تهران روبروست. این تقابل سیاسی، با نگاه تردیدآمیز نمایندگان مجلس ایران همراه شده است؛

بازار جهانی و امنیت انرژی

فشار در سفره‌ها؛ هزینه‌ی گزاف بازی با آتش برای شهروندان آمریکایی

کرده و هر خانوار ۴۴۷ دلار بیشتر برای سوخت پرداخته است. نکته نگران‌کننده برای سیاستمداران آمریکایی اینجاست که در صورت تداوم این وضعیت، این هزینه برای هر خانوار می‌تواند به ۲۰۰۰ دلار افزایش یابد؛ رقمی که می‌تواند فشار اجتماعی را به نقطه جوش برساند و عملاً دیپلماسی دولت ترامپ را در داخل کشور با چالش جدی مواجه کند.

بازار انرژی در وضعیت متناقضی به سر می‌برد. قیمت بنزین در آمریکا با ۱۷ سنت کاهش به ۴.۳۵ دلار در هر گالن رسیده است؛ اما این عدد نباید فریبنده باشد، چرا که هنوز ۴۶ درصد بالاتر از قیمت‌های پیش از جنگ است. گزارش مبدل ایست نشان می‌دهد که جنگ فعلی تاکنون ۶۰ میلیارد دلار هزینه مستقیم به آمریکا تحمیل

زیرساخت و مدیریت عملیاتی تنگه

تقابل در دریا؛ از محاصره آمریکا تا عبور کشتی‌ها با مجوز سپاه

نفتکش، کانتینربر و سایر کشتی‌های تجاری، پس از کسب مجوز و با هماهنگی و تأمین امنیت نیروی دریایی سپاه از تنگه هرمز عبور کرده‌اند. در این روایت، کنترل هوشمند تنگه هرمز به‌طور مستمر و با صلابت و اقتدار در حال انجام معرفی شده است. هم‌زمان، تانکرترکرز نیز مدعی شده چهار نفتکش ایرانی با مجموع هفت میلیون بشکه نفت خام که طی روزهای اخیر قصد خروج از ایران را داشته‌اند، در میانه مسیر تغییر جهت داده و به آب‌های ایران بازگشته‌اند؛ موضوعی که نشان می‌دهد سطح تنش و ریسک عملیاتی در مسیرهای دریایی مرتبط با ایران همچنان بالاست.

در میدان عملیاتی تنگه هرمز و خلیج عمان، هم‌زمان دو روایت متضاد در حال شکل‌گیری است. از یک سو آسوشیتدپرس گزارش داده ارتش آمریکا یک کشتی فله‌بر با نام لیان استار را که سعی داشته از محاصره بنادر ایران عبور کند، در خلیج عمان از کار انداخته است. در ادامه همین روند، سنتکام نیز مدعی شده از زمان آغاز محاصره، پنج شناور مرتبط با ایران را از کار انداخته و ۱۱۶ کشتی دیگر را وادار به بازگشت کرده است؛ ادعایی که به گفته این نهاد، نشان می‌دهد محاصره به‌طور کامل در حال اجراست. در مقابل، روابط عمومی نیروی دریایی سپاه اعلام کرده طی شبانه‌روز گذشته ۲۸ فروند کشتی، شامل